

AWARD

Case No. 940

Chamber Two

پرونده شماره ۹۴۰
شعبه دو
حکم شماره ۲-۹۴۰-۴۴۴

ویلفرد ج. گالین و بنی دیبا،
خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،
وزارت مسکن و شهرسازی ایران،
خواندگان.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان دآوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	31 OCT 1989
	تاریخ ۱۳۶۸ / ۱۰ / ۹

حکم

حاضران :

از طرف خواهانها : آقای لایمن دی. بدفورد،
نماینده

آقای ادوارد جی. کوینن، جونیر،
نماینده

آقای بنی فرامرز دیبا،
خواهان

آقای ویلفرد ج. گالین،
خواهان

آقای جان بارتلت،
نماینده سابق

آقای دیوید رنشا،
شاهد
آقای جفری مارتین،
شاهد

از طرف خوانندگان : آقای محمدکریم اشراق،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای علی حیرانی نوبری،
معاون نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای سیف‌اله محمدی،
مشاور حقوقی
آقای کرمعلی کمایستانی،
دستیار حقوقی نماینده رابط
آقای ذبیح‌اله علوی هراتی،
وکیل وزارت مسکن و شهرسازی
آقای ایرج امیری،
نماینده وزارت مسکن و شهرسازی

سایر حاضران : آقای تیموتی ریمیش،
نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

یک - پیشگفتار

۱ - شرکت کالیفرنایی، هاور نفت اینترنشنال کانستراکشن کامپنی ("هاور نفت کالیفرنیا") و دو نفر از سهامداران آن به اسامی ویلفرد گالین و بنی دیبا ("خواهانها") دعوایی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") و وزارت مسکن و شهرسازی ("وزارت مسکن") به قائم مقامی سازمان شهرسازی خوزستان ("شهرسازی خوزستان") اقامه و به شرح مندرج در لایحه نهایی خود، جمعا مبلغ ۲۳،۱۵۹،۴۳۳/- دلار آمریکا بابت سلب مالکیت از داراییهای شرکت ایرانی هاور نفت اینترنشنال کانستراکشن کامپنی ("هاور نفت ایران") مطالبه کرده‌اند. خواهانها دعوی خود را به نحو دیگری نیز مطرح و جمعا مبلغ ۲۳،۹۹۱،۲۳۲/- دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از نقض یک قرارداد احداث خانه های مسکونی و مبلغ ۳،۷۹۲،۷۸۶/- دلار آمریکا بابت غصب اموال ادعا می‌کنند. بالاخره، آقای گالین مبلغ ۱۷،۴۱۸/- دلار آمریکا بابت اثاثه‌ای که حسب ادعا توسط ایران گرفته شده، مطالبه کرده است.

۲ - در اول اسفندماه ۱۳۶۴ [۲۰ فوریه ۱۹۸۶] خواهانها نام هاور نفت کالیفرنیا را به عنوان خواهان از پرونده حاضر حذف کردند. بنابراین هاور نفت کالیفرنیا دیگر در این رسیدگی طرف دعوا نیست.

۳ - خوانندگان پنج فقره ادعای متقابل جمعا به مبلغ ۱،۱۳۷،۵۲۷،۰۰۶/- ریال اقامه کرده‌اند.

۴ - جلسه استماع در دوم خردادماه ۱۳۶۸ [۲۳ مه ۱۹۸۹] تشکیل گردید.

دو - واقعیات

۵ - در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۷ [دهم مه ۱۹۷۸] شهرسازی خوزستان و هاور نفت ایران قرارداد شماره ۲۵۵۷ را برای مهندسی و احداث ۵۰۰ دستگاه خانه پیش‌ساخته و محوطه‌سازی آن در شهرک جدید جراحی در ایران، منعقد کردند. قرارداد به صورت "حاضر یراق" (turnkey) بود که هم کارهای خارج از کشور (جمعا" به مبلغ مقطوع -/۱،۹۷۱،۹۹۴،۷۶۳ ریال) بابت مهندسی، حمل و نقل و ساخت خانه‌ها و سایر تاسیسات و هم کارهای داخل کشور (جمعا" به مبلغ مقطوع -/۱،۸۵۸،۷۷۶،۸۷۰ ریال) بابت محوطه‌سازی و احداث ساختمانها را شامل می‌شد. بابت کارهای خارج از کشور، هاور نفت کالیفرنیا در ۱۱ مهرماه ۱۳۵۷ [سوم اکتبر ۱۹۷۸] طبق قوانین ایالت کالیفرنیا تشکیل گردید و قرار شد که کارهای داخل کشور توسط هاور نفت ایران اجرا شود. خواهانها ادعا می‌کنند که هاور نفت ایران تا هشتم آذر ۱۳۵۷ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۸] که طی نامه‌ای خطاب به دفتر رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شهرسازی خوزستان به شرط فورس ماژور قرارداد ۲۵۵۷ استناد کرد، ۸۰ درصد کار محوطه‌سازی را تمام کرده بود. خواهانها اظهار می‌دارند که ادعای هاور نفت ایران در تابستان سال ۱۳۵۸ که روشن شد دیگر از سرگیری کار قراردادهای امکان ندارد، ایجاد گردید. خواهانها حسب اظهار ادعای غیرمستقیمی از طرف هاور نفت ایران اقامه کرده، می‌گویند که ایشان رویهم ۵۱۰ سهم از ۱۰۰۰ سهم صادره آن شرکت را در دست دارند.

۶ - خواندگان ادعا می‌کنند که هاور نفت ایران عملا" به هیچیک از تعهدات خود عمل نکرد و در واقع، سرمایه هر دو شرکت هاور نفت به مراتب کمتر از آن بود که آن شرکتها بتوانند تعهدات قراردادی خود را انجام دهند. دراین رابطه، خواندگان چند فقره ادعای متقابل بابت خسارات ناشی از نقض قرارداد، از دست دادن اجاره بهاء پیش‌پرداختهای شهرسازی خوزستان به هاور نفت ایران، سهم [کارفرما] از حقوق بیمه

اجتماعی، و [بالاخره] بابت مبلغی که حسب ادعا خواهانها بابت ضمانتنامه حسن انجام کار بدهکارند، اقامه کرده‌اند.

۷ - آقای گالین ادعایی بابت از دست دادن اثاثه خانه خود طرح کرده، اظهار می‌دارد که قرار بود دوستان وی ترتیب حمل اثاثه را بدهند، اما چون پاسداران انقلاب مانع دسترسی ایشان به اثاثه شدند، اثاثه مزبور پراکنده و مفقود گردید.

سه - صلاحیت

الف - صلاحیت نسبت به ادعای سلب مالکیت

۸ - دیوان قبلاً نظر داده است که نسبت به ادعای غیرمستقیم اتباع ایالات متحده از طریق یک شرکت ایرانی صلاحیت دارد، مشروط بر اینکه "منافع مالکیت" چنین اتباعی "در زمان ایجاد ادعا برای کنترل شرکت مزبور در حد کافی" بوده باشد. بنگرید به: قرار اعدادی شماره ۳-۱۲۹-۵۵ مورخ اول آبانماه ۱۳۶۴ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده سدکو اینکوریوریتد و سایرین و شرکت ملی نفت ایران و سایرین، [چاپ شده در 9 Iran-U.S. C.T.R. 248]. خواهانها مدعی هستند که چون رویهم ۵۱۰ سهم از ۱۰۰۰ سهم صادره برای هاور نفت ایران متعلق به ایشان است، بنابراین حق اقامه این ادعا را دارند.

۹ - گرچه خواندگان به تعداد سهام متعلق به آقایان دیبا و گالین ایراد دارند، ولی دیوان باتوجه به تصمیم خود درباره صلاحیت [به شرح زیر]، نیازی به تصمیم‌گیری راجع به تعداد دقیق سهام ندارد.

۱۰ - خواندگان از جمله استدلال می‌کنند که چون آقای دیبا طبق قوانین ایران تبعه ایران

است، بنابراین حق ندارد ادعایی نزد دیوان اقامه کند. آقای دیبا اظهار می‌دارد که به دلیل کسب تابعیت ایالات متحده در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۸ [۱۳ اکتبر ۱۹۵۹]، وی تبعه امریکاست.

۱۱ - باتوجه به این اظهارات، دیوان باید نخست با اعمال ضوابط مقرر در تصمیم شماره DEC 32-A18-FT دیوان عمومی، مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] در پرونده الف - ۱۸، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 251، 5، موضوع تابعیت آقای دیبا را بررسی کند. طبق تعریف مندرج در آن تصمیم، یک فرد واجد تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده، هنگامی از نظر بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده شناخته می‌شود که تابعیت غالب و موثر وی (خواهان) طی دوره ذیربط، از تاریخ ایجاد ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، تابعیت ایالات متحده بوده باشد. برای تعیین تابعیت غالب و موثر خواهانها، دیوان باید تمامی عمر ایشان را از بدو تولد و کلیه عوامل ذیربط را که بر واقعیت و خلوص نیت آنان در انتخاب تابعیت مورد ادعای ایشان دلالت داشته باشند، بررسی کند. این عوامل عبارتند از محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی خواهانها. همچنین بنگرید به: قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] در پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران.

۱۲ - در این رابطه، دیوان باید نخست تعیین کند که آیا آقای دیبا از موقع بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده، یا تبعه ایران، و یا اینکه تابعیت هر دو کشور را داشته است. در صورتیکه دیوان نتیجه گیرد که آقای دیبا تابعیت هر دو کشور را دارد، آنگاه باید تعیین کند که کدام تابعیت در مدت ذیربط، تابعیت «غالب و موثر» است و در نتیجه، از لحاظ صلاحیت دیوان در جریان رسیدگی حاضر باید تعیین کننده شناخته شود. دیوان در تصمیم متخذ در پرونده

الف - ۱۸ متذکر گردید که تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان مستلزم بررسی کلیه "عوامل ذیربطه، از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" است.
5 Iran-U.S. C.T.R. at 265

۱۳ - اختلافی نیست که آقای دیبا به لحاظ تولد [در ایران] تبعه ایران است. ادعا نشده است که وی هیچگاه طبق قوانین ایران تقاضای ترک تابعیت ایرانی خود را کرده، یا به نحوی آنرا از دست داده باشد. در عین حال، آقای دیبا دیوان را متقاعد کرده است که تبعه ایالات متحده است. آقای دیبا به شهادت گواهی تابعیت شماره ۸۱۲۰۸۷ و گذرنامه‌های امریکایی خود، در ۲۱ مهرماه ۱۳۳۸ [۱۳ اکتبر ۱۹۵۹] تابعیت ایالات متحده را کسب کرد و بعداً "آنرا ترک نکرده است. بنابراین موضوع موثر در مقام اینست که طبق ضوابط مختلف مقرر در تصمیم متخذه در پیرونده الف-۱۸ تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط تعیین شود.

۱۴ - آقای بنی فرامرز دیبا در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۰۷ [چهارم فوریه ۱۹۲۹] در تهران، ایران زاده شد. وی در ایران به مدرسه رفت و در سال ۱۳۲۷ از کالج البرز فارغ‌التحصیل شد و در دهم تیرماه ۱۳۳۹ [اول ژوئیه ۱۹۵۰] به ایالات متحده نقل مکان کرد.

۱۵ - در نوامبر ۱۹۵۳ آقای دیبا با بثاتریس گاربدیان که به لحاظ تولد [در ایالات متحده]، تبعه امریکا بود، ازدواج کرد. حاصل این زناشویی دو فرزند ذکور بود. خواهان اظهار می‌دارد که هر دو پسر وی تبعه ایالات متحده هستند و همیشه مقیم آن کشور بوده‌اند.

۱۶ - آقای دیبا در سال ۱۹۵۷ از کالج ایالتی سانفرانسیسکو فارغ‌التحصیل شد و از آن

سال تا ۱۹۶۷ در استخدام چند شرکت امریکایی بود. در آن سال، آقای دیبا همسر خود را طلاق داد و پس از ۱۷ سال اقامت در ایالات متحده به ایران مراجعت کرد.

۱۷ - در همان سال، آقای دیبا با خانم بدری معصومه تبعه ایران ازدواج کرد. حاصل این زناشویی نیز دو اولاد ذکور بود که هر دو در ایران متولد شدند و برای هر دو گواهی تولد و شناسنامه ایرانی صادر شده و نام هر دوی آنها به عنوان تبعه ایالات متحده در کنسولگری آمریکا در تهران به ثبت رسید. خانم بدری معصومه دیبا در ۱۳ شهریورماه ۱۳۶۱ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۲] به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۱۸ - در مدت اقامت در ایران، آقای دیبا کار خود را به عنوان مدیرعامل تعدادی شرکت بیمه، از جمله شرکت بیمه شرق و سندیکای شرکتهای بیمه ایران آغاز کرد. در این مدت، آقای دیبا با شبکه وسیعی از علایق متنوع بازرگانی در ایران سروکار داشت. وی نمایندگی تعدادی شرکت، از جمله لاینو شپینگ فریت فورواردینگ، دلهور ریور پورت آتوریتی، و پورتا کمپ، یو.اس.ای. را به عهده داشت و در تعدادی طرح بازرگانی چندملیتی شرکت داشت که بعضی از آنها از جمله هاور نفت ایران، در ایران به امور بازرگانی اشتغال داشتند. طی این سالها، آقای دیبا حسب اذعان، مالک مقدار قابل توجهی اموال غیرمنقول و تجاری بود.

۱۹ - آقای دیبا ادعا می کند که در مدتی که عملاً مقیم ایران بود، یعنی بین سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹، وی ۳۰ درصد از وقت خود را در ایران و تقریباً ۵۰ درصد از وقت خود را در ایالات متحده و ۲۰ درصد بقیه را در اروپا و خاور دور می گذراند.

۲۰ - آقای دیبا همچنین اظهار می دارد که طی همان مدت، وی در امور بازرگانی دو شرکت، بنی دیبا اسوشی ایتس و دی آی ام، اینک. در ایالات متحده فعالانه شرکت

داشته است.

۲۱ - در ۲۳ آبانماه ۱۳۵۷ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۸] آقای دیبا ایران را به قصد اروپا ترک کرد و در ۱۱ مردادماه ۱۳۵۸ [دوم اوت ۱۹۷۹] وارد ایالات متحده شد. از آن زمان به بعد، وی در ایالات متحده مقیم و شاغل بوده است.

۲۲ - در جلسه استماع، آقای دیبا سندی تسلیم کرد که مهرهای تاریخ ورود و خروج در گذرنامه‌های ایرانی و امریکایی وی را بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۷ نشان می‌داد.

۲۳ - دیوان اینک باید ضابطه مقرر در تصمیم [متخذه] در پرونده الف - ۱۸ را نسبت واقعیاتی که به دیوان ارائه شده، اعمال نماید. پرونده نشان می‌دهد که آقای دیبا بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۷ جذب جامعه امریکا شد، بطوریکه در سال ۱۹۶۷ تابعیت غالب و موثر وی محتملاً "تابعیت ایالات متحده بود، گرچه دیوان ملزم نیست در این باره تصمیم بگیرد.

۲۴ - ولی آقای دیبا در سال ۱۹۶۷ همسر امریکایی خود را طلاق داد و به ایران مراجعت کرد و همسر ایرانی اختیار نمود و فعالانه مشغول امور مختلف بازرگانی در ایران گردید و طی یازده سال بعد در ایران اقامت گزید. مهرهای ورود و خروج مندرج در گذرنامه آقای دیبا، این ادعا را که وی تقریباً ۵۰ درصد وقت خود را بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ در ایالات متحده می‌گذراند، تأیید نمی‌کند. برعکس، این مهرها حاکی از آنست که آقای دیبا با وجود سفرهای فراوان، حداکثر فقط چند ماه از این مدت را در ایالات متحده گذراند. آقای دیبا ادعا می‌کند که این مهرهای ورود و خروج گمراه کننده است، زیرا در موقع ورود به ایالات متحده گذرنامه وی غالباً "مهر نمی‌خورد. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که آقای دیبا سندی در تأیید میزان علایق تجاری که حسب ادعا وی طی آن سالها در ایالات

متحده داشت، ارائه نکرده است. دیوان پس از بررسی کلیه مدارک موجود نزد خود، نظر می‌دهد که فعالیت های بازرگانی و زندگی خانوادگی آقای دیبا بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ آنچنان در ایران متمرکز بود که دیوان ناگزیر باید رای دهد که تابعیت غالب و موثر وی در موقع بروز ادعاء چه در ششم آذر ۱۳۵۷ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۸] و چه در تابستان سال ۱۹۷۹، ایرانی بوده است.

۲۵ - بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که آقای دیبا ثابت نکرده است که تابعیت غالب و موثر وی در کلیه اوقات ذریبطه، تابعیت ایالات متحده بوده است. بنابراین دیوان نسبت به ادعاهایی که آقای دیبا علیه ایران اقامه کرده، صلاحیت ندارد.

۲۶ - ادعا نشده است که آقای گالین به تنهایی کنترل هاور نفت ایران را در دست داشته است. باتوجه به اینکه خواهانها تنها سهامدارانی هستند که مدعی داشتن تابعیت ایالات متحده می‌باشند، روشن است که در موقع بروز ادعاء، هاور نفت ایران در کنترل اتباع ایالات متحده نبود. در نتیجه، شرط بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی احراز نشده است. باتوجه به این نظر، دیوان به بررسی سایر موضوعات صلاحیتی مطروح توسط خواندگان نمی‌پردازد و ادعای غیرمستقیم آقایان دیبا و گالین به لحاظ فقد صلاحیت رد می‌شود.

۲۷ - از آنجا که دیوان نتیجه گرفته است که ادعا باید به لحاظ فقد صلاحیت رد شود، طبق رویه معمول دیوان، ادعاهای متقابل نیز به همین نحو باید رد شوند. برای مثال بنگرید به: حکم شماره ۲-۹۰-۱۵ مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۱ [هشتم دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده ریلاینس گروپ اینکوریپتید و شرکت ملی نفت ایران، چاپ

ب) صلاحیت نسبت به ادعای آقای گالین

۲۸ - دیوان متقاعد شده است که آقای گالین تبعه ایالات متحده است و ادعای مستقیم وی بابت از دست رفتن اثاثه در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است و جمهوری اسلامی ایران خواننده واقعی ادعاست. بنابراین ادعای مزبور در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد.

چهار - ماهیت ادعای آقای گالین

۲۹ - آقای گالین در دادخواست خود صورتی حاوی کلیه اثاثه و ارزش آنها که حسب ادعا توسط دولت ایران ضبط شده، تسلیم کرده، ولی از عهده اثبات ادعای خود برنیامده است. آقای گالین اظهار می‌دارد که پاسداران انقلاب در ژانویه سال ۱۹۷۹ برخلاف قانون مانع شدند که دوستان وی اثاثه او را جمع‌آوری کنند، ولی مدرکی در این مورد ارائه نکرده است. گرچه نامبرده یکبار اشاره کرد که شهادت‌نامه‌ای از فردی بنام آقای برایتون ارائه خواهد کرد که جزییات این ادعا به تفصیل در آن شرح داده خواهد شد، ولی دیوان هیچگاه چنین شهادت‌نامه‌ای را دریافت نکرده است. آقای گالین همچنین مدرکی از وجود خود اثاثه نیز تسلیم نکرده است. باتوجه به این سابقه، برای دیوان قابل احراز نیست که آیا اثاثه آقای گالین واقعا ضبط شده و آیا ضبط قابل انتساب به دولت ایران بوده است یا خیر. بنابراین ادعای آقای گالین باید به لحاظ فقد دلیل رد شود.

پنج - هزینه‌ها

۳۰ - هر دو طرف هزینه‌های خود را در داوری حاضر مطالبه کرده‌اند. دیوان مقرر می‌دارد که هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.

شش - حکم

۳۱ - به دلایل پیش گفته،

دیوان داوری به شرح زیر حکم می‌دهد:

(۱) ادعای غیرمستقیم آقایان دیبا و کالین از طریق هاور نفت ایران، به دلیل فقد صلاحیت رد می‌شود.

(۲) ادعاهای متقابل خواندگان به دلیل فقد صلاحیت رد می‌شود.

(۳) ادعای مستقیم آقای کالین به لحاظ فقد دلیل رد می‌شود.

(۴) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.

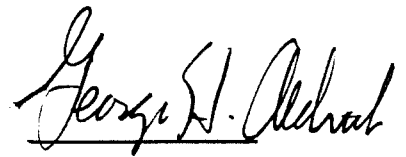
لاشه، به تاریخ ۹ آبانماه ۱۳۶۸ برابر با ۳۱ اکتبر ۱۹۸۹



روبرت برینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا


سید خلیل خلیلیان



جرج اچ. آلدریچ